

سورة الاحقاف

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر

مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی

ویراستار: سید محمد نقوی

گرافیسٹ: سیدہ زہرا حسینی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: قم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و مأخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. معادل انگلیسی اصطلاحات و مفاهیم علمی رایج، پانویس شود.
۸. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۹. فهرست منابع و مأخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف) کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب) مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲-۱۸۹.
۱۰. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمودن نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۱. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی در قبال محتوا و نویسنده آن ندارد.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی،
نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم،
سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه
المصطفی العالمیه. قم
۴. سید مهدی نقوی، ارشد رشته ادیان ابراهیمی، قم جامعه المصطفی
۵. داود عطایی، ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم

فهرست مطالب

۷	قرآن پژوهشی حد محاربه با تأکید بر سیاست جنایی اسلام
۲۱	تأثیرپذیری اخلاقی انسان از عوامل اخلاقی و رفتاری از دیدگاه قرآن و روایات
۴۱	علویون سوریه، مذهب منحرف یا شیعیان صوفی مسلک
۵۵	فاعلیت الهی در اندیشه امام خمینی
۸۳	فاطمه زهرا سلام الله علیها بهترین الگو برای سبک زندگی
۱۰۵	تعارض بیش از دو دلیل در صورت بروز تخصیص اکثر در لفظ عام از منظر امام خمینی و آقا ضیاء عراقی
۱۲۵	نقش سیاسی امام حسن عسکری علیه السلام در مشروعیت زدایی خلافت بنی عباس
۱۴۷	اعراض از کرامت انسانی در اندیشه اسلام و اسناد بین المللی حقوق بشر
۱۷۳	مهلت پرداخت دیه قتل از دیدگاه فقه امامیه
۱۹۱	مقایسه و بررسی اشتراط بلوغ در عقد از نظر مقدس اردبیلی و محقق خویی



سال چهارم، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۱۳

علویون سوریه، مذهب منحرف یا شیعیان صوفی مسلک

سید رضا علوی^۱

چکیده

علویون سوریه که در کتب محلل و نحل به نام‌های «نصیری» و «نمیری» معروف است؛ در سال‌های اخیر بدلیل حوادث سوریه مورد توجه بیشتری قرار گرفته و در مورد آن‌ها شبهات و سؤال‌هایی مطرح شده است. در کتب ملل و نحل عقایدی باطل و ناصحیحی مانند: خدا دانستن ائمه علیهم السلام، باب دانستن سلمان فارسی، تعظیم شراب، دوست داشتن ابن ملجم، اعتقاد به تناسخ به آن‌ها نسبت داده شده است. اما با مراجعه به کتب محققین و نویسندگان از علویون و بررسی سخنان و دفاعیات آنان و نقد و رد آنان بر این نسبت‌ها می‌توان فهمید که اینان نه یک مذهب جدا بلکه یک فرقه‌ای از شیعه است که به دلایل مختلف بعض عقاید صوفیه در آن‌ها نفوذ کرده و بدان معتقد شده‌اند، چنان‌که محققین و نویسندگان علوی در این مورد کتاب‌های نوشته و به دفاع از عقاید و افکار خود پرداخته و آنچه به آن‌ها نسبت داده شده را ناصحیح و توطئه علیه آنان می‌دانند.

واژگان کلیدی

علویون، سوریه، نصیری، نمیری

۱ دانشجوی سطح ۴ رشته اصول فقه اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، ایران، رایانامه:

۱. مقدمه

از میان همه غلات یا فرق افراطی شیعه، «نصیریان»، به دلیل این که اکنون دولت سوریه را در سیطره خود دارند، تا حدی مورد توجه قرار گرفته‌اند. در سال ۱۹۷۰م ژنرال نصیری، «حافظ اسد»، قدرت نظامی را در سوریه به دست گرفت، و در ۲۲ فوریه ۱۹۷۱، او اولین رئیس‌جمهور نصیری در تاریخ کشورش شد. اسد از نومایلاتیه (numaylatiyya) شعبه‌ای از «متاویرا» یکی از قبایل اصلی نصیری در سوریه برخاسته است. هم‌چنین دیگر مقام‌های حساس در دولت کنونی سوریه را افسران نصیری اداره می‌کنند.^۱ (متی موسی؛ مفتخری، ۳، ۷۹، ۱۰۷-۱۲۲). نصیریان در طول تاریخ بانام نصیری‌ه شناخته شده‌اند، نامی که بر وجود مذهبی در قرن نهم میلادی/ سوم هجری دلالت دارد. اما بهتر است «علویان» نامیده شوند.

آنچه نام فرقه را دوباره زنده کرده و بر سر زبان‌ها جاری ساخت، حوادث ساله‌های اخیر و جریان جنگ سوریه بود. بعد از جریان جنگ سوره و دفاع شیعیان آزاده از این دولت و حرم‌های اهل بیت علیهم‌السلام در سوریه شبهاتی مطرح شد که به ذهن بسیاری از مردم را درگیر کرد؛ آیا واقعاً آن‌های که در سوریه به‌عنوان علوی معروف است شیعه هستند؟ یا نه؟ اگر شیعه هستند آیا اثنی عشری هستند یا از دیگر اصناف شیعه؟ اگر اثناعشری هستند آیا تمام اعتقادات آن‌ها همان اعتقادات و باورهای اصیل شیعی است یا دچار تحریف شده‌اند؟

این نوشتار در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا علویون سوریه شیعیانی اثنی عشری هستند یا از غلات و فرق انحرافی. در این مقاله به بررسی عقاید این گروه در ضمن دو بحث؛ عقایدی که به آن‌ها نسبت داده شده و عقاید و باورهای که اندیشمندان و نویسندگان علوی از آن سخن گفته و آن را پذیرفته‌اند، خواهیم پرداخت.

۲. مبانی نظری

۱-۲. نصیریه

نصیریه به ضم نون و فتح صاد، صفت نسبی است؛ انتساب به نصیر یا نصیری. درباره نصیریه نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها، انتساب به فردی به نام «ابن نصیر» است. البته درباره دلیل نام‌گذاری و ریشه کلمه نصیریه دیدگاه‌های متعدد و متفاوتی وجود دارد که به طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- ابوالفداء معتقد است که این نام از نام «نصیر»، غلام و مولای آزاد شده علی ابن ابی طالب (علیه‌السلام) گرفته شده است. (حریری، ۱۹۸۴، ۲۹-۳۰)

۲- بعضی دلیل نام‌گذاری نصیریه را به دوران فتوحات شام ربط می‌دهند؛ به این صورت که هنگام فتح بعلبک و حمص پس از آن‌که ابوعمید جراح از مدینه درخواست نیروی کمکی کرد گروهی از انصار که از حاضران در غدیر خم و حامیان علی (علیه‌السلام) بودند در قالب سپاهی کوچک عازم منطقه شدند و حضور آنان به پیروزی‌ها کمک کرد و بر اساس مرسوم نام مناطق فتح‌شده را به نام این جیش یاری گر کوچک که به اصطلاح «جیش نصیره» خوانده می‌شدند گذاشتند و نصیری‌ها در این مناطق ساکن شدند منسوب به همین نام هستند. (هاشم عثمان، ۹-۱۲)

۳- عده‌ی دیگر نام نصیریان را اسم تصغیر از لغت «نصارا» می‌دانند و نصیریان را به معنای «مسیحیان کوچک» می‌خوانند. این‌ها استدلال می‌کنند که دشمنان نصیریان به طور تحقیرآمیز آن‌ها را به واسطه کثرت اعمال و آداب شبه مسیحی به این نام خوانده‌اند. (متی موسی؛ حسین مفتخری، ۳، ۷۹، ۱۰۷-۱۲۲)

۴- اما در مجموع به نظر می‌رسد درست‌ترین نظر، نظری است که این فرقه را به محمد بن نصیر منتسب می‌کند. این فرقه که منصوب به محمد بن نصیر النمیری است، امروزه علم شده برای فرقه‌ی که گفته شده پیروان او است در غلو در حق ائمه (علیهم‌السلام) ما برای آشنایی بیشتر با آن واژه به معرفی آن از چند دائرةالمعارف می‌پردازیم:

۱- در دایرةالمعارف فارسی مصاحب، در توصیف نصیریه چنین آمده است:

«نصیریه، اصحاب نصیر نمیری بودند که در حق امام علی بن محمد النقی (علیه السلام) غلو کرد و او را پیامبر خواندند. شرح عقاید این فرقه که هنوز بقایای ایشان در جبال سوریه ساکن هستند، به تفصیل در کتب ملل و نحل آمده است. این فرقه را نصیریه نیز خوانده‌اند». (مصاحب، ۱۳۸۰، ۲، ۱۸۱۲).

۲. در فرهنگ فارسی معین، نصیریه چنین تعریف شده است: «نصیریه یا علویه یا علویان: متکلمان شیعه و سنی درباره نصیریه و عقاید آنان مطالب متناقضی نوشته‌اند. از نوشته بعضی از قدما و متکلمان چنین برمی‌آید که این فرقه از پیروان «عبدالله بن سبأ» هستند و بعضی آنان را از فرق زیدیه به شمار می‌آورند. بعضی نوشته‌اند فرقه‌ای از غلاة هستند و معتقدند که حق تعالی در ذات امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) حلول کرده و گویند ظهور روحانی در جسمانی، مطلبی است غیر قابل انکار؛ مانند ظهور جبرئیل به صورت دحیه کلبی؛ و چون علی و اولادش از سایر معصومان برترند و وابسته به اسرار ربانی و مؤید به تأیید الهی می‌باشند، حق به صورت علی (علیه السلام) ظهور کرد. بعضی نوشته‌اند: نصیریه، تابع محمد بن نصیر نمیری‌اند و او امام علی النقی (علیه السلام) را رب و خود را مُرسَل از طرف او خواند. بعضی گویند: نام فرقه‌ای است که به نبوت محمد بن نصیر معتقد هستند. امروز گروهی از نصیریه در شمال سوریه سکونت دارند. بعد از کشتاری که ترک‌ها از علویان کردند، نام علویان به نصیریه بدل شد و بعد از ۴۱۲ سال، یعنی پس از پایان جنگ جهانی در ۱۹۱۸م، دوباره این فرقه نام علویان به خود نهادند».

۳. در المنجد نیز در مورد آنان این‌گونه آمده است: «نصیریه یا علویان که در جبل علویان و شمال سوریه ساکن‌اند، منسوب به محمد بن نصیرند و بزرگ‌ترین متکلم آن‌ها «النصیبی» است».

در متون اسلامی این نام قبل از تأسیس این فرقه در لاذقیه در قرن پنجم، ثبت نشده است. اولین بار در اوایل قرن پنجم قمری در اثری از حمزة بن علی یکی از مؤسسان مذهب دروزی، به نام «الرسالة الدامغة فی الرد علی الفاسق النصیری» و نیز در دو اثر «رسالة الغفران» و «اللزومات» از ابوالعلاء معری این نام به کار رفته است. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ۱۸۶).

اما با گذری به کتب و مقالات علمای نصیری می بینیم که آن‌ها خودشان را منسوب به ابن نصیر می دانند. چنانکه نویسنده متقدم نصیری، میمون بن قاسم طبرانی (متوفای ۴۲۶هـ/۱۰۳۴م) در کتابش «الدلائل و المسائل» که هنوز به صورت نسخه خطی است، روایتی را نقل می کند که امام یازدهم گفته است: «محمد بن نصیر روشنی من، باب من، و حجت من بر نوع بشر است. هرچه را او از من نقل کند صحیح است.» (متی موسی؛ حسین مفتخری، ۳، ۷۹، ۱۰۷-۱۲۲)

همچنین در کتاب «المجموع» منبع مهم اطلاعات درباره تعلیمات نصیریان، از محمد بن نصیر به عنوان باب امام حسن عسکری (علیه السلام) یاد می شود. کتاب «المجموع» مشتمل بر شانزده فصل با طرح اصول متنوع نصیریان است. نویسنده آن با تفسیری از فصل چهارم هیچ جای شکی باقی نمی گذارد که مذهب نصیریان از محمد بن نصیر سرچشمه گرفته است. (متی موسی؛ حسین مفتخری، ۳، ۷۹، ۱۰۷-۱۲۲/حریری، ۲۳۴-۲۵۵)

شیخ محمدحسن زین العالی در کتابش «الشیعه فی التاریخ» از نصیریان به عنوان یک فرقه بحث می کند. او می گوید که نصیری، پیروان محمد بن نصیر هستند و او خودش یکی از پیروان امام حسن عسکری (علیه السلام) بود که با شهادت امام عسکری (علیه السلام) ادعا کرد وکیل امام مهدی (علیه السلام) می باشد. (عاملی، ۱۹۷۹، ۹۵ و ۲۱۹-۲۲۵)

طبق نقل سلیمان ادانی، مذهب نصیری با محمد بن نصیر شروع شد، ابن جندب جانشین او شد، پس جنبلانی بر جای وی نشست و جانشین وی نیز حسین بن حمدان خصیبی بود. وی نزد نصیریان چنان محترم شد که آن‌ها او را «ما فوق همه‌ی جانشینانش» می دانند. (متی موسی؛ حسین مفتخری، ۳، ۷۹، ۱۰۷-۱۲۲/سلیمان ادانی، ۱۴-۱۶)

۲-۲. علویه

نصیری‌ه را علویه نیز می گویند. (مشکور، ۱۳۷۵، ۴۴۲). در دوران ما این فرقه به علویان معروف‌اند. در این باره دو نظر وجود دارد:

۱) نصیریه‌ها از ابتدا به علویان معروف بوده‌اند و علت اصلی اطلاق نام نصیریه به علویان همان علت است که به موجب آن به شیعه رافضی، سبئیه و... گفته‌اند و آن به قصد دشمنی و تشنیع بوده که فراوان اتفاق افتاده است. (برومند اعلم، ۱۳۸۵، ۵، ۳۶-۵۶)

۲) این فرقه همواره به عنوان نصیریان شناخته شده است؛ نامی که بر وجود مذهبی در قرن سوم هجری/ نهم میلادی دلالت دارد. باید این نکته را خاطر نشان کرد که علوی، اصطلاحی عمومی است و غالباً به همه شیعیانی اطلاق می‌شود که از علی (علیه‌السلام) متابعت کرده و معتقدند او وارث و جانشین پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در رهبری جامعه مسلمانان می‌باشد. (متی موسی؛ حسین مفتخری، ۳، ۷۹، ۱۰۷-۱۲۲)

۲-۳. غلاة

«غلاة» (qolat) یا «غالیه» (qalie) جمع غالی، غلوکنندگان و تند روان. (مصاحب، ۱۳۸۰، ۲، ۱۸۱۱).

و در اصطلاح ملل و نحل و فرق اسلامی، آن تعداد از فرق و دسته‌ها و کسانی که از شیعه که در حق حضرت علی (علیه‌السلام) و فرزندان او (علیهم‌السلام) و یا پیروان او غلو کرده و راه افراط پیموده‌اند، و یا خداوند را تشبیه به ائمه کرده و یا ائمه را به خدا تشبیه به خدا کرده‌اند. (مصاحب، ۱۳۸۰، ۲، ۱۸۱۲) شیخ مفید در تعریف غلاة می‌گوید: غلاة که از متظاهرين به اسلام هستند که علی (علیه‌السلام) و ائمه دین یعنی ذراری آن حضرت را به خدایی و پیغمبری نسبت داده‌اند، و آنان را از جهت فضل در دین و دنیا به پایه‌ای ستوده‌اند که از حد گذشته است و طریق افراط پیموده‌اند. این گروه در شمار گمراهان و کافرانند، و علی (علیه‌السلام) فرمان کشتن و سوختن آنان را صادر فرمود و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز در حق آنان به کفر و خروج از اسلام حکم کردند. (مفید، ۱۴۱۴، ۱۳۱)

۲-۴. پیشینه پژوهش

فرقه علویون سوریه که از آن‌ها به «نصیره» یاد شده است؛ در کتب قدیمی ملل و نحل در ضمن بررسی فرق شیعه به آن‌ها اشاره شده ولی کتاب مستقلی در عقاید و تاریخ آن نوشته نشده است. اما از سال ۱۹۷۰ که این فرقه در سوریه به قدرت رسیده و حکومت را به دست گرفت، مورد توجه قرار گرفته و نویسندگان مختلفی از علویون و دیگر ملل و مذاهب خصوصاً به آن‌ها پرداخته و در مورد تاریخ و عقاید آن‌ها کتاب و مقاله نوشته‌اند که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

العلویون النصیریون؛ ابوموسی حریری

تاریخ العلویون، وقایع و احداث؛ هاشم عثمان

النبا یقین عن العلویین؛ محمود الصالح

در این کتب اگرچه از جنبه‌های مختلف به موضوع علویون پرداخته شده و تاریخ وقایع و اتفاقاتی که علویون با آن‌ها مواجه بوده پرداخته‌اند. اما از آنجا که این کتب از جنبه‌های مختلف تخصصی بوده و به صورت مبسوط به جنبه‌های مختلف عقاید و تاریخ و... این گروه پرداخته‌اند لازم بود در نوشتاری به صورت مختصر عقاید و تاریخ این فرقه بررسی گردد تا برای عموم قابل فهم و استفاده باشد.

۳. علویه، نصیره یا غلاة؟

در مورد علویون مطالب متناقض نقل شده است که گاهی قابل جمع نیست. علویون و نصیره يك فرقه است که منصوب به حضرت علي (علیه‌السلام) است؛ اگرچه در این که آن‌ها چه زمانی به نصیره نام‌گذاری شده است اختلاف است ولی آنچه در کتاب‌های خودشان استفاده می‌شود این است که آنان اسم علوی را بر نصیری ترجیح می‌دهند و آن را از جانب دشمنان می‌دانند که دشمن آن‌ها را به فرقه‌ای غالی که محمد بن نصیر النمیری آن را پایه‌گذاری کرده منسوب می‌کنند. اما اکثر ملل و نحل نویسان قدیم این فرقه را به فرق غلات ملحق کرده‌اند. و آن‌ها را جز غلات شیعه شمرده‌اند. و این به خاطر اعتقادات غلوآمیزی که محمد بن نصیر و به تبع آن نصیره داشته است.

۱-۳. محمد بن نصیر النمیری

نصیری که در میان مورخان معاصر به عنوان سرچشمه نام نصیریان پذیرفته شده است، يك ایرانی تبار بود که نام کاملش «محمد بن نصیر نمیری بکری عبدی» (متوفای ۲۷۰هـ/۸۸۳م) می‌باشد او همچنین به واسطه کنیه‌اش به ابو شعیب معروف شد. گفته می‌شود که محمد بن نصیر، احتمالاً در خوزستان یا بصره عراق متولد شده و بعداً به واسطه وابستگی‌اش به قبیله بنو نمیر عرب، با عنوان نمیری شناخته شد. وی هم‌زمان با امام یازدهم امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در شهر سامراء عراق زندگی می‌کرد. (متی موسی؛ حسین مفتخری، ۳، ۷۹، ۱۰۷-۱۲۲/ به نقل از: سلیمان ادانی، ۱۴-۱۶)

محمد بن نصیر فهری نمیری از اصحاب امام حسن عسکری (علیه‌السلام) است که وقت آن حضرت به شهادت رسید ادعا کرد صاحب‌الزمان است و بعد ادعای نیابت و سپس ادعای پیامبری کرده و در حق امام حسن عسکری (علیه‌السلام) غلو و برای او مقام خدایی قائل شد. (حلی، ۱۳۸۱، ۲۷۳) امام حسن عسکری (علیه‌السلام) او را لعنت کرده است. (حلی، ۱۳۸۱، ۲۵۴) بعضی نیز او را از اصحاب امام هادی (علیه‌السلام) دانسته‌اند. (خونی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، ۳۰۰).

او قائل به اباحه نکاح با محارم و نکاح مرد با مرد بوده است. نقل شده که بعضی از مردم او را دیدن که عریان است و غلامش بر پشتش و او را برای این کار سرزنش کردند. او در پاسخ سرزنش کنندگان گفت: این عمل از لذت و لذات تواضع برای خداست. (کشی، ۱۴۰۹، ۱، ۵۲۱)

وقتی محمد بن نصیر در بستر مرگ بود و به درستی نمی‌توانست سخن بگوید به او گفته شد بعد از تو جانشینت کیست؟ او در حالی که سخنانش نامفهوم بود گفت: احمد و معلوم نشد که مرادش از احمد کیست؟ بعد از مرگش پیروان او سه فرقه شدند؛ عده‌ی گفتند: احمد پسرش مرادش بوده و عده‌ی گفتند: منظور «احمد بن محمد بن موسی الفرات» بوده و دیگران گفتند: احمد بن ابی‌الحسین بن بشر بن یزید بوده و به سه فرقه منشعب شدند.

۲-۳. عقاید نسبت داده شده به علویان

با مراجعه به کتب ملل و نحل و تحقیق در مورد این فرقه می بینیم که عقاید و باورهای مختلفی به آن‌ها نسبت داده شده است که در این مختصر به برخی از مهم‌ترین اعتقادات آنان اشاره می‌شود.

۱- خدا دانستن ائمه (علیهم‌السلام)

شهرستانی که این فرقه از غلات معرفی می‌کند، می‌گوید: آن‌ها ائمه اهل‌البیت (علیهم‌السلام) را خدا و اله می‌دانند اما در کیفیت اسم اله بر ائمه اهل‌البیت اختلاف دارند و برای آن استدلالی کرده و گفته‌اند: «ظهور روحانی در بدن جسمانی امری است که کسی آن را انکار نمی‌کند و آن یا در جانب خیر است مثل ظهور جبرائیل به صورت بعض اشخاص و تمثل به صورت بشر، و یا در جانب شر است که مثل تمثل شیطان به صورت انسان تا کاری به صورت انسان انجام دهد.

و چون بعد از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شخصی افضل از علی (علیه‌السلام) نبود و بعد از او اولاد او که آن‌ها بهترین مخلوق است خداوند به صورت آن‌ها تجلی کرد و با زبان آن‌ها سخن گفت و با دست آن‌ها گرفت به این دلیل اسم خدا را به آن‌ها اطلاق کردیم. (شهرستانی، ۱۴۰۲، ۱، ۱۸۸)

مهم‌ترین عقیده آنان خدا دانستن حضرت علی (علیه‌السلام) است. آنان علی (علیه‌السلام) را احد، صمد، لم یلد و یولد می‌دانند و اوصاف خدایی برای او قائلند و در شهادتین می‌گویند: «اشهد ان لا اله الا علی بن ابی طالب».

آنان می‌گویند علی (علیه‌السلام) محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را خلق کرده و محمد حجاب برای علی است. و محمد سلمان فارسی را از نور خودش خلق کرده و او را باب قرار داده است و مکلف به نشر دعوتش کرده است.

و محمد ایتم را خلق کرده (یتیم کسانی است که نظیر ندارند) و آن‌ها ستارگان پنج‌گانه است، نمازهای یومیه به آن‌ها متوجه است.

و ایتم در نزد نصیریه: مقداد بن الاسود، ابوذر الغفاری، عبدالله بن رواحة الانصاری، عثمان بن مظعون، قنبر بن کلان الدوسی است. (بدوی، ۱۹۹۶، ۱۲۳۲)

۲- سلمان فارسی رسول و فرستاده علی (علیه‌السلام)

آن‌ها سلمان فارسی را فرستاده علی (علیه‌السلام) می‌داند و کلمه سرّ در نزد آنان ۳ حرف است؛ ع (علی) م (محمد) س (سلمان).

۳- تعظیم شراب

آن‌ها اعتقاد دارند که شراب نور است و آن را بزرگ می‌دانند و درخت انگور را احترام می‌کنند.

۴- دوست داشتن ابن ملجم

آن‌ها ابن ملجم را دوست دارند و می‌گویند ابن ملجم لاهوت را از ناسوت رها کرد و کسی که او را لعن کند خطاکار می‌دانند. (بدوی، ۱۹۹۶، ۱۱۸۶)

۵- اعتقاد به تناسخ

آن‌ها قائل به تناسخ هستند و برای این که مؤمن به مرحله‌ی برسد که بین ستارگان باشد باید ۷ مرحله را طی کند. و می‌گویند اگر انسان گناهکار بمیرد به صورت نصرانی یا مسلمان دوباره متولد می‌شود تا پاک شود و گناهانش را بشوید، اما کسانی که علی نمی‌پرستند به صورت سگ یا به صورت شتر یا استر و یا الاغ و یا گوسفند متولد می‌شوند. (بدوی، ۱۹۹۶، ۱۲۳۳)

۳-۳. عقاید علویون از دیدگاه اندیشمندان علوی

۳-۳-۱. حقیقت نصیریّه

در این که حقیقت این فرقه چیست؟ آیا از فرقه‌های مذهبی اسلام است؟ یا جزء فرق نبوده بلکه طریقه‌ای از طرق یک مذهب و مسلک است، اختلاف است. ولی آنچه از کلمات آن‌ها و کتب تاریخ آن‌ها استفاده می‌شود این است که فرقه نصیریّه یا علویه یک فرقه صوفیه است نه یک مذهب دینی. چنانکه بسیاری از نویسندگان دیگر نیز به این مطلب توجه داشته و آنان را از فرق صوفیه آورده‌اند.

در این رابطه ما به سخنان مؤلف نصیری مذهب کتاب «تاریخ العلویین وقائع و احداث» اکتفاء می‌کنیم که می‌نویسد:

حقیقت این است که علویه طریقه صوفیه است؛ همان طور که «مکزون سنجاری» بزرگ فلاسفه علویین به آن تصریح کرده است. و این که این فرقه یک مذهب دینی

نبوده بلکه يك طريقت صوفي است را در عصر حاضر علامه شيخ سليمان احمد در رساله‌اي كه به «محمد كرد علي» نوشته تأكيد مي‌كند و در آن مي‌نويسد: «علويين طريقه‌ي است مثل نقشبنديه، الرفاعيه و... از طرق صوفيه اهل سنت».

اين طريق بواسطه باب‌هاي ائمه كه از سلمان شروع شده بما منتقل شده است. سلسله طريقه علوي:

(۱) سلمان فارسي

(۲) قيس بن ورقه معروف به سفينه باب امام حسن (عليه السلام) «سين» در آن رمزي است كه به سلمان اشاره دارد.

(۳) رشيد هجري باب امام حسين (عليه السلام).

(۴) عبدالله بن الغالب الكابلي (كنكر) باب امام زين العابدين (عليه السلام)

(۵) يحيى بن محمد بن ام الطويل الشمالي باب امام محمدباقر (عليه السلام).

(۶) جابر بن يزد جعفي باب امام جعفر صادق (عليه السلام)

(۷) محمد بن ابي زينب الكاهلي باب موسي الكاظم (عليه السلام).

۸ مفضل بن عمر باب امام رضا (عليه السلام).

اين فرقه مي‌گويند دين دو وجهي است يك وجه آن عام و براي همهي مردم و ديگري خاص به صوفيه است؛ به تعبير ديگر، دين ظاهر دارد و باطن.

در نزد آنان جوهر علم باطني علم به خدا و اسماء صفات است و هر آيه كه در قرآن است معني در وراء آن نهفته است كه خدا آن را جز براي خاصه كه اهل حق و كساني كه اين معاني در نفس آن‌ها ظهور کرده باشد ظاهر نمي‌كند.

به اعتقاد آن‌ها روزه نماز حج و زكات معني ظاهري دارد و باطني و معني باطني آن‌ها جز براي اهل حق و طريقت داده نمي‌شود. (هاشم عثمان، ۱۴۱۸، ۲۳)

البته ناگفته نماند در سال‌هاي اخير علماي علوی تمام اتهامات و انتساباتي را كه به آن‌ها داده شده را انكار و رد کرده و خود را شيعه اثنا عشری معرفي می‌كنند. در اين زمينه كتاب‌هاي فراواني نوشته‌اند. يكي از اين كتب، كتاب «العلويون بين الغلو و الفلسفه و التصوف و التشيع» نوشته نويسنده علوی «شيخ علي عزيز ابراهيم» است كه كتاب‌هاي متعددی درباره علويان نوشته و با انديشمندان شيعی، نظير

آیت الله سید محسن حکیم، امام موسی صدر و شیخ محمد مهدی شمس الدین، مرآورده داشته و پیام‌های آن‌ها را در مقدمه کتابش، چاپ کرده است. آن چنان‌که از کتاب‌های نویسندگان علوی همچون «محمد امین غالب الطویل»، «شیخ عیسی سعود»، «شیخ علی عزیز ابراهیم» و دیگران برمی‌آید، عقاید علویان را این چنین می‌توان جمع‌بندی کرد:

۱. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)، اهل بیت (علیهم السلام) را مرجع و رهبر دینی مسلمانان قرار داده است.

۲. به تبری از دشمنان ائمه معتقدند.

۳. علویان، مسلمانان شیعه و موحدند که خداوند را از هر شباهتی با مخلوقات منزّه می‌دانند.

۴. به اسلام آوردن واقعی ابوسفیان و همسرش هند و فرزندشان اعتقاد ندارند.

۵. علویان بر این اساس که از صدر اسلام نیز عقاید مخفی و مکتومی همواره وجود داشته که تنها اهل بیت (علیهم السلام) از آن آگاه بوده‌اند، عقاید خود را مخفی می‌دارند.

۶. پنج تن از یاران امام علی (علیه السلام) نزد علویان از احترام خاصی برخوردار هستند. آنان عبارتند از: مقداد، ابوذر غفاری، عبدالله بن رواحه انصاری، عثمان بن مظعون و قنبر بن کادان. آنان به نبوت سید پیامبران، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامت امامان دوازده‌گانه از اهل بیت (علیهم السلام) طاهر پیامبر اعتراف دارند. آن‌ها عرب‌های خالص‌اند که چیزی داخل نسب آن‌ها نشده است، تا از عرب خالص بودن خارج شده باشند.

۷. علت غلوی که عارض آنان شده، عزلت و گوشه‌گیری و محرومیت و جهل بوده است.

۸. آنان به جای اسلام به عنوان دین و عربیت به عنوان نسب و تشیع به عنوان مذهب، هیچ چیز دیگری را به عنوان بدیل نمی‌پذیرند.

۹. بیشتر علوی‌ها نه حلول و نه تناسخ را قبول ندارند و صوفیان آن‌ها هم قائل به تجلی‌اند (نه حلول).

۱۰. خیر قضا و قدر، از ناحیه خداوند و شرّ آن از ناحیه نفوس است. آن‌ها نه جبر را می‌پذیرند و نه تفویض را.

۱۱. اهل بیت (علیهم‌السلام)، فرع حقیقت محمدیه و انسان‌هایی ویژه و معصوم‌اند.

۱۲. طریقه صوفیه (جنبلانیه خصیبیه) دین نیست. (محمود الصالح، ۱۹۸۷، ۱۴۰۷).

۴. نتیجه‌گیری نهایی

با بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه می‌رسیم که آن عده از شیعیان که امروزه به علویه یا گاه‌هاً به نصیریه و نمیریه معروف است در اصل شیعه اثنی عشری بوده اما به خاطر دور افتادن از مرکز شیعه و نرسیدن معارف صحیح به آن‌ها و از طرفی نفوذ صوفیه در بین آن‌ها بعضی از عقاید آن‌ها دچار انحراف شده ولی هنوز عده‌ای زیادی از آنان همان‌طور که علمای آن‌ها نیز اعتراف دارند، پایبند به عقاید حقه شیعه اثنی عشری هستند.

۵. فهرست منابع

۱. ادانی، سلیمان، (بی‌تا) البکور السلیمانیه فی کشف اسرار الدینیه النصیریة، بیروت.

۲. بدوی، عبدالرحمن، (۱۹۹۶م)، مذاهب الاسلامیین، بیروت، لبنان، دار العلم للملایین.

۳. برومند اعلم، عباس، (بهار ۱۳۸۵)، فرقه نصیریه از آغاز تا انتقال دعوت به شام، نامه تاریخ پژوهان، ش ۵، از ص ۳۶ تا ۵۷.

۴. حریری، ابوموسی، (۱۹۸۴م)، العلویون النصیریون، بیروت، دار الاجل المعرفه.

۵. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۳۸۱ش)، ترتیب خلاصه الأقوال فی معرفة أحوال الرجال، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول.

۶. خوئی، سید ابوالقاسم موسوی، (۱۴۱۳هـ)، معجم رجال الحدیث، بی‌جا، چاپ

پنجم

۷. ربانی گلپایگانی، علی، (۱۳۷۷ش)، فرق و مذاهب کلامی، قم، دفتر تحقیقات کتب درسی.
۸. الشهرستانی، محمد بن عبد الکریم، (۱۴۰۲هـ) الملل و النحل، بیروت، دار المعرفة.
۹. العاملي، محمدحسن زين الدين، (۱۹۷۹م)، الشیعه فی التاریخ، بیروت، دارالاثار للطباعة و النشر، چاپ دوم.
۱۰. کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹هـ) رجال کشی (اختیار معرفة الرجال)، محقق، مصطفوی، حسن، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چاپ اول.
۱۱. متی موسی، (زمستان ۷۹) پیدایش نصیریان (علویان)، ترجمه: مفتخری، حسین، فصلنامه تاریخ اسلام، ش ۳.
۱۲. محمود الصالح، (۱۹۸۷م-۱۴۰۷)، النبأ یقین عن العلویین، مؤسسة البلاغ، الطبعة الثانية، بیروت.
۱۳. مشکور، محمدجواد، (۱۳۷۵ش)، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۴. مصاحب، غلام حسین، (۱۳۸۰ش) دایرة المعارف، فارسی، تهران، امیر کبیر.
۱۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۴هـ) تصحیح اعتقادات الامامیه، قم، کنگره شیخ مفید.
۱۶. هاشم عثمان، (۱۴۱۸هـ)، تاریخ العلویین وقائع و احداث، بیروت مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.